
هگل

از متافیزیک به پدیدارشناسی

(شرح متافیزیک ینا و بررسی نسبت آن با پدیدارشناسی روح هگل)

محمد مهدی اردبیلی



سرشناسه	: اردبیلی، محمد مهدی -
عنوان و نام پدیدآور	: هگل: از متافیزیک به پدیدارشناسی (شرح متافیزیک بنا و بررسی نسبت آن با پدیدارشناسی روح هگل)، مولف محمد مهدی اردبیلی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۰۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۶۱]-۲۷۴.
عنوان دیگر	: از متافیزیک به پدیدارشناسی (شرح متافیزیک بنا و بررسی نسبت آن با پدیدارشناسی روح هگل).
موضوع	: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱ م. پدیدارشناسی روح -- نقد و تفسیر
موضوع	: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱ م. متافیزیک -- نقد و تفسیر
موضوع	: پدیده شناسی - مابعدالطبیعه
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ هـ ۸/الف/۴۱۴ B۲۹۲۹
رده بندی دیویی	: ۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۶۸۱۳۲



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ - فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

هگل

از متافیزیک به پدیدارشناسی

(شرح متافیزیک ینا و بررسی نسبت آن با پدیدارشناسی روح هگل)

محمد مهدی اردبیلی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۰۲-۴

مرکز بخش: انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- شهدای زاندارمیری- پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۶۶۴۶۰۵۱۱ - ۶۶۴۶۳۰۷۲

پیشگفتار و تشکر

دستنویسته‌های نظام بنا مجموعه متونی است که هگل حد فاصل سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۶ آنها را به عنوان درسگفتار برای دوره‌های درسی‌اش آماده کرد. این نوشته‌ها که سال‌ها در پس آثار بزرگ هگل پنهان مانده بودند برای نخستین بار در ابتدای قرن بیستم از ناشناختگی بیرون آمدند. یکی از مهمترین بخش‌های این نظام متافیزیک نام دارد که هگل برای نخستین بار در آن، گذاری دیالکتیکی را از دقایق نخستین دانش بشری (یعنی اصل امتناع تناقض) تا والاترین و غنی‌ترین تجلی حقیقت (یعنی روح مطلق) به نمایش می‌گذارد. درباره این رساله، نه تنها در زبان فارسی هیچ نشانه و شرح قابل ذکری در دسترس نیست، بلکه حتی در عالم انگلیسی‌زبان نیز جز چند شرح مختصر و غیرمستقل متنی منتشر نشده است. با این وصف، کتاب حاضر دو هدف کلی را دنبال می‌کند:

اولاً برای نخستین بار می‌کوشد تا شرحی تفصیلی از سیر تکوین متافیزیک ینای هگل را به دست دهد. به همین منظور سه بخش اصلی متافیزیک ینا، یعنی گذار از «شناخت در مقام نظام اصول نخستین» به

«متافیزیک ایزکتیویته» و نهایتاً «متافیزیک سوپراکتیویته» مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت.

ثانیا، کتاب حاضر خواهد کوشید تا نسبت این رساله (متافیزیک) را با نقطه اوج نوشته‌های ینا و اولین اثر مشهور و بزرگ هگل، یعنی پدیدارشناسی روح، مورد بررسی و واکاوی قرار دهد و نشان خواهد داد که پدیدارشناسی روح (در مقام یکی از بزرگترین آثار تاریخ فلسفه)، هم به لحاظ محتوا و هم به لحاظ روش، چه نسبتی با رساله مختصر متافیزیک ینا برقرار کرده است. این واکاوی نهایتاً هم به فهم و تعمیق شرح متافیزیک ینا منجر خواهد شد، هم به بازتفسیر پدیدارشناسی روح هگل و درک خاستگاه‌ها و ریشه‌های آن.

هدف ضمنی این کتاب همچنین نشان دادن نوعی پیوند میان این دو اثر و در نتیجه، نشان دادن متن «متافیزیک» ینا در جایگاه نخستین نظام متافیزیکی هگلی هگل و خاستگاه پدیدارشناسی روح است. این امر تبعات فلسفی و تفسیری چشمگیری به دنبال خواهد داشت که مهمترین آنها، قائل شدن جایگاهی محوری برای متن مختصر «متافیزیک ینا» به عنوان دقیقه آغازین فهم و تفسیر هگل در بخش اعظمی از مطالعات هگل‌پژوهی خواهد بود.

از قضا، انتشار کتاب حاضر، حدوداً همزمان شده است با انتشار ترجمه فارسی خود متن «متافیزیک ینا»؛ در نتیجه می‌توان این دو اثر را که در فاصله کوتاهی از همدیگر، توسط دو ناشر مختلف (انتشارات علمی و انتشارات حکمت) منتشر می‌شوند، مکمل یکدیگر دانست و این حسن اتفاق را به فال نیک گرفت. علاوه براین، لازم به ذکر است که کتاب حاضر

برگرفته از متن رساله دکترای اینجانب در گروه فلسفه دانشگاه تبریز است. لذا به دلیل ماهیت مجموعه «اندیشه‌های نو» که عمدتاً به انتشار رساله‌های دکتری اختصاص دارد، تلاش شد تا متن نهایی کتاب، حتی الامکان به متن رساله وفادار باشد.

در نهایت، از دکتر علی‌اصغر مصلح دبیر این مجموعه و یکی از داوران جلسه دفاع از رساله سپاسگزارم که به بهبود محتوای کتاب و همچنین انتشار آن در عرصه عمومی یاری رساندند. همچنین لازم است از اساتید راهنما، مشاور و داور، آقایان دکتر محمد اصغری، دکتر علیرضا آزادی، دکتر میثم سفیدخوش، دکتر محمود صوفیانی، دکتر محمدرضا عبدالله‌نژاد و دکتر سیدمصطفی شهرآئینی که در بهبود متن نهایی نقشی موثر ایفا کرده‌اند، کمال تشکر را داشته باشم. از ناشر محترم، به ویژه جناب محمدعلی علمی نیز سپاسگزارم که شرایط انتشار این اثر را فراهم آوردند.

محمد مهدی اردبیلی

شهریورماه ۱۳۹۴

فهرست مطالب

پیشگفتار و تشکر	۷
مقدمه	۱۵
الف- چرا متافیزیک ینا؟	۱۶
ب- کدام متافیزیک؟	۲۲
ج- تفسیر در مقام عرضه پیوستار مفهومی	۲۸
د- فصول کتاب در یک نگاه	۳۰
ه- نکاتی درباره کتاب حاضر	۳۴
فصل اول: نظام ینا	۳۷
مقدمه: نخستین نظام فلسفی هگل	۳۷
منطق ینا	۴۸
الف- نخستین دقیقه پیوند بسیط، کیفیت	۵۲
ب- کمیت، مقدار، نامتناهیت	۵۹
ج- نسبت: هستی و تفکر	۶۴
د- تناسب: تعریف، تقسیم و شناخت	۷۳
نظام ینا پس از منطق	۷۶
الف- فلسفه طبیعت	۷۸
ب- فلسفه روح	۹۳
۱- روح بر اساس مفهومی (روح سوژکتیو)	۹۵
۲- روح بالفعل (روح ابژکتیو)	۱۰۱
۳- ساخت مان (امر مطلق)	۱۰۸
۴- هنر، دین و علم (روح مطلق)	۱۱۵

فصل دوم: متافیزیک ینا	۱۲۷
مقدمه: متافیزیک ینا چیست؟	۱۲۷
شناخت در مقام نظام اصول نخستین	۱۳۶
الف- اصل اینهمانی	۱۳۷
ب- اصل طرد شق ثالث	۱۴۲
ج- اصل مبنا یا جهت	۱۴۵
متافیزیک ایزکمیوئته: از نفس بشری تا ذات اعلای خداوند	۱۴۹
الف- نفس	۱۵۰
ب- جهان	۱۵۶
ج- ذات اعلی	۱۶۳
متافیزیک سویژکمیوئته: از من نظری کانتی تا روح مطلق هگلی	۱۷۲
الف- من نظری	۱۷۵
ب- من عملی	۱۸۵
ج- روح مطلق	۱۸۹
پایان متافیزیک	۲۰۱
فصل سوم: نسبت متافیزیک ینا با پدیدارشناسی روح	۲۰۹
ایده یا پروبلماتیک متافیزیک / پدیدارشناسی	۲۱۰
مقدمه: ایده چیست؟	۲۱۱
الف- ایده / پروبلماتیک متافیزیک	۲۱۳
ب- ایده / پروبلماتیک پدیدارشناسی	۲۱۷
ج- نسبت ایده ها	۲۲۱
صورته بندی یا روایتگری متافیزیک / پدیدارشناسی	۲۲۷
الف- راوی	۲۲۸

ب- روایت‌شنو یا مخاطب.....	۲۳۳
ج- روایت‌گری یا شیوه پیشبرد روایت.....	۲۴۱
۱- آغاز روایت و پایان‌بندی.....	۲۴۱
۲- شیوه پیشبرد روایت (منطق روایت).....	۲۴۳
۳- زمان روایت.....	۲۴۶
متافیزیک و پدیدارشناسی.....	۲۵۳
فصل چهارم: نتیجه‌گیری.....	۲۵۷
منابع.....	۲۶۱
منابع لاتین.....	۲۶۱
منابع فارسی.....	۲۶۸
واژه نامه سه‌زبانۀ فارسی- انگلیسی- آلمانی.....	۲۷۵

مقدمه

همانگونه که به تفصیل نشان داده خواهد شد، «نظام ینا»ی هگل به طرح کلی هگل در دوران حضور در ینا اطلاق می‌شود که شامل چهار بخش اصلی است: منطق، متافیزیک، فلسفه طبیعت و فلسفه روح. در این میان کتاب حاضر به شرح و تبیین بخش دوم این نظام (متافیزیک) اختصاص دارد و سپس به نسبت این متافیزیک با اثر مهم هگل در انتهای دوران ینا (پدیدارشناسی روح) خواهد پرداخت. لذا در این مقدمه ابتدا تلاش خواهد شد تا مسئله کتاب تبیین شود و به این پرسش پاسخ گفته شود که «چرا متافیزیک ینا؟» سپس مختصراً به معنای مفهوم «متافیزیک» نزد هگل اشاراتی خواهد شد تا وجه تسمیه دستنوشته‌های «متافیزیک ینا» نیز روشن شود. بعد از آن، اندکی درباره خود تفسیر و شیوه پیشبرد آن بحث خواهد شد و نهایتاً پس از نگاهی گذرا به فصول این کتاب، به نکاتی مقدماتی نیز درباره کلیت آن اشاره خواهد شد تا از این طریق بتوان مقدماتی را برای ورود به خود کتاب و سه فصل اصلی آن تدارک دید.

الف - چرا متافیزیک ینا؟

نخستین پرسشی که پس از مواجهه با کتاب حاضر به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا متافیزیک ینا؟ در میان این همه اثر فلسفی و نظری، مگر متنی مختصر مانند متافیزیک ینا واجد چه جایگاه و نقشی است که موضوع اصلی یک کتاب را بتوان به آن اختصاص داد. بدون پاسخ به پرسشی فوق، ممکن است کل محتوای این کتاب صرفاً مباحثی انتزاعی به نظر برسد که از روی تصادف به متنی بسیار دورافتاده و تقریباً ناشناخته از هگل می‌پردازند و در نتیجه، احتمالاً پس از ارائه بناست تا مانند بسیاری از کتاب‌های مشابه گوشه کتابخانه‌ها خاک بخورد. در نتیجه، برای رفع این سوءفهم باید پیش از هر چیز به جایگاه و اهمیت این متن خاص، و دلایل برجسته شدن آن در میان سایر متون مشهور و تعیین‌کننده هگل پرداخته شود.

مفسران، اولین اثر هگل را که وی در آن از نوشته‌های دوران جوانی خویش (در اشتوتگارت، توینگن، برن و فرانکفورت) فاصله گرفته و برای نخستین بار رویکرد دیالکتیکی خاص خویش را تعیین می‌کند، پدیدارشناسی روح می‌دانند. اما عمدتاً فراموش می‌شود که پدیدارشناسی روح، نه اثری مستقل، بلکه نتیجه فلسفه‌ورزی‌های دوران ینا (۱۸۰۶-۱۸۰۱) است که حاصل آن علاوه بر مقالات و نوشته‌های متعدد، مجموعه دست‌نوشته‌های نظام‌یناست که در آن هگل برای نخستین بار از شکلی از تفکر نظام‌مند و دست یافتن به حقیقت در قالب یک فرآیند کلی سخن می‌گوید (نقد مذکور بر ادعاهای قبلی خود نگارنده این سطور نیز وارد

است که برای مثال، در جایی ادعا کرده است که پدیدارشناسی را «می‌توان اولین کتابِ هگلیِ هگل نامید» (اردبیلی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). می‌توان نشان داد که هر آنچه هگل بعد از این دوران، در قالب بزرگترین آثار فلسفی خود (به ویژه پدیدارشناسی روح، علم منطق و دایره‌المعارف علوم فلسفی) منتشر کرده است، در واقع کمال و تحقق امکان‌های همین نظام اولیه است. متافیزیکِ ینا بخشی از کل نظام یناست که هگل حد فاصل سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۶ مشغول دست‌وپنجه نرم کردن با آن بود. اینکه کل این نظام چه بخش‌هایی دارد و هگل در هر کدام به دنبال چیست، اجمالاً در فصل اول مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین به این مساله که خود متافیزیک ینا چیست، چه محتوا و بخش‌هایی دارد، در فصل دوم مفصلاً پرداخته خواهد شد.

اما آنچه در اینجا به عنوان مقدمه، باید بدان پرداخت، اشاره به مسئله (یا در معنای متداول این روزها، پروبلماتیک) کتاب حاضر و دغدغه اصلی نگارنده از برجسته ساختن این متن مشخص برای شرح است. متافیزیک ینا یکی از ناشناخته‌ترین متون هگل و در عین حال یکی از دشوارترین آنهاست. خود همین پیوند تناقض‌آمیز میان «ناشناختگی» و «شهرت داشتن به دشواری»، نشان از وضعیت مبهم و آشفته متافیزیک ینا دارد. یکی از دلایل ناشناختگی، یا به بیان دقیق‌تر بی‌اعتناییِ تعمّدی نسبت به این متن، همین عجز شارحان برای خواندن اثر و فهم آن در مقام یک کل منسجم است. البته این امر نه تنها در خصوص متافیزیک، بلکه در خصوص سایر دست‌نوشته‌های نظام ینا صادق است. این متون حتی سالها پس از نگارش‌شان

همچنان دسترس‌ناپذیر بودند و بعد از بیش از یک قرن خاک خوردن در زیر آوارهای فلسفه آلمانی‌زبان، «تنها در قرن ما [قرن بیستم] روشنای روز را به خود دیدند» (Schmidt, 1981, p. 114). البته تنها عامل برجسته شدن این متن نادیده گرفته شدن آن توسط شارحان و مخاطبان نیست، بلکه بیش و پیش از آن، این کتاب در تلاش است تا نشان دهد که متن مختصرِ متافیزیکِ ینا، در مقام یک نظام فلسفی، نه تنها نسبت به سایر آثار هگل، به ویژه مشهورترین اثر وی پدیدارشناسی روح، متنی حاشیه‌ای و قابل اغماض نیست، بلکه اولاً این متن خود به عنوان یک نظام مستقلِ هگلی قابلیت جدی گرفتن و تفسیر شدن را دارد و نکات زیادی برای عرضه دارد، نکاتی که مخاطب شاید در مطالعه آثار هگل، دستکم در این قالب، با آنها مواجه نشود؛ ثانیاً فهم و شرح نظام متافیزیکِ ینا به عنوان یک اثر مقدماتی می‌تواند پرتوی بر فهم و شرح آثار دیگر هگل، به ویژه پدیدارشناسی روح بیفکند که در همان شهر ینا و تقریباً دو سال پس از متافیزیک نگاشته شد و اکنون یکی از بزرگترین آثار فلسفی تاریخ به شمار می‌رود؛ ثالثاً همانگونه که در فصل سوم نشان داده خواهد شد، ایده اصلی یا پروبلماٲیک متافیزیکِ ینا، تحقق «دیالکتیک» است و علی‌رغم پیشرفت‌های بعدی فلسفه هگل و جامعیت پدیدارشناسی در ابعاد مختلف، متافیزیکِ ینا در مقام اثری که از قضا (بر خلاف محتوا و نثر به شدت دشوارش)، از حیث نظام سه‌گانی هگل (صورت‌بندی و فرم)، بسیار مرتب و منظم است، می‌تواند معنا و کارکرد دیالکتیک هگلی را به ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل آن برملا سازد، همچنین می‌توان همین امر را در مورد خود مفهوم «نظام» نیز مطرح کرد،

چرا که متافیزیک بنا نخستین تلاش موفق هگل برای دست یافتن به یک نظام مشخصاً متافیزیکی و نخستین پیوند روشن و شسته رفته میان دو مفهوم کلیدی هگلی «متافیزیک» و «نظام» است. همانگونه که گروندین می نویسد، «به نظر هگل تنها یک نظام می تواند وجود داشته باشد، هرچند وی بارها آن را بازنویسی و جرح و تعدیل کرد. ... با این همه، در نخستین دوره های درسی که وی در ینا برگزار کرد، تردیدی به خود راه نداد که نظامش را متافیزیک بنامد» (Grondin, 2012, p. 184). بنابراین این اثر «ارزشش را دارد که اندکی در آن توقف کنیم، زیرا دربردارنده احتمالاً قلب و عصاره برداشت نظام مند هگل در آن مقطع زمانی است» (Crites, 1998, p. 205) و شاید بتوان به پشتوانه همین ایده تک نظام بودن هگل، نسبتی میان نظام های مختلف هگلی برقرار کرد و عناصر وحدت بخش آنها را بررسی کرد؛ رابعاً متن متافیزیک ینا، از این جهت واجد ارزش است که علی رغم آنکه پدیدارشناسی را نخستین کتاب هگلی هگل می دانند، اما به واقع نخستین اثر تماماً هگلی هگل که وی در آن بر تمایز فلسفه خود نسبت به فلسفه اینهمانی شلینگ تاکید می ورزد، همین اثر است. خامساً نظام متافیزیک ینا، که در حقیقت شرح کل تاریخ متافیزیک در قالبی هگلی است و البته در عین حال، تصفیه حساب هگل با کل فلسفه پیش از وی است، می تواند به عنوان منبعی نه تنها برای فهم اندیشه هگل، بلکه برای فهم کل متافیزیک غربی مورد استفاده قرار گیرد، چراکه به تعبیر راس، «متافیزیک ینا راهی بود که می شد طی آن هر موضوعی که می توانست به شیوه ای مطلقاً عقلانی شناخته شود - یعنی به طور سنتی، نفس، خدا و جهان - را شناخت»

(Ross, 2008, p. 63). هگل در این اثر از اصول اولیه عقل بشری (اصل اینهمانی، امتناع تناقض و طرد شق ثالث) آغاز می‌کند که در متافیزیک ارسطو نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در نتیجه هگل بحثش را از همان نخستین دقایق فلسفه در یونان آغاز کرده و پس از طی دقایق فلسفی مدرن، به ویژه عقل‌گرایی مدرن، به کانت در مقام بنیان‌گذار ایده‌آلیسم آلمانی می‌پردازد و پس از نقد فلسفه کانت، فیثته و نهایتاً شلینگ، فصل آخر را به بیان نظریات خاص خودش اختصاص می‌دهد. در این معنا، هگل فلسفه خودش را نه ناشی از اندیشه‌های صرفاً درونی یا الهامات شهودمحورانه، بلکه تنها و تنها نتیجه رفع کل تاریخ فلسفه پیش از خود معرفی می‌کند. در نتیجه، دیگر زمان آن فرارسیده است که متافیزیک *ینا* به عنوان یکی از منابع اصلی فهم فلسفه هگل و همچنین به عنوان یکی از متون اصلی جهت شناخت کل متافیزیک در مقام امری پیش‌رونده و در حال تکوین مورد توجه قرار گیرد.

یکی دیگر از دلایل نگارش اثر پیش‌رو، این است که علی‌رغم توصیفات فوق، نه تنها زبان فارسی در حوزه شناخت این متن به شدت فقیر است، بلکه همچنین هیچ شرح جامع، کامل و مستقلی از این متن در خود زبان انگلیسی نیز وجود ندارد. خود این کتاب نیز بر تنها ترجمه انگلیسی موجود از متافیزیک *ینا* مبتنی است که خوشبختانه ترجمه‌ای بسیار معتبر است که توسط سیزده تن از اعضای انجمن هگل‌پژوهان کانادا صورت

گرفته و نهایتاً توسط دو شارح مطرح هگل یعنی جرج دی جیوانی^۱ و جان بریج^۲ ویرایش شده و هنری هریس^۳ نیز یادداشت‌هایی تفسیری به آن افزوده است. همچنین شاید جامع‌ترین و مشهورترین شرح، که البته در جامعیت و عمق آن تردیدهایی وجود دارد، فصلی است که هریس در شرح دو متن منطق و متافیزیک نوشته است که بخش مربوط به شرح متافیزیک آن از حیث کمیت حتی به ده صفحه هم نمی‌رسد (نک. Harris, 1983, pp. 384-393).

در این راستا لازم است تحقیق حاضر به دو سوال اصلی زیر پاسخ گوید تا در پرتو آنها بتواند به مسائل فوق بیاندهد:

۱. متافیزیک بنا چیست؟ (فصل دوم) و در کدام بستر شکل گرفته است؟ (فصل اول)
۲. متافیزیک بنا، هم از حیث فرم و هم از حیث محتوا، چه نسبتی با آثار متاخر هگل (برای نمونه نزدیکترین اثر بزرگ هگل، و شاید مشهورترین آنها، یعنی پدیدارشناسی روح) دارد؟ (فصل سوم)

۱. Geirge di Giovanni؛ استاد دانشگاه مک‌گیل و هگل‌پژوه، پدیدارشناسی و مترجم علم منطق هگل به زبان انگلیسی.

۲. John Burbidge؛ استاد دانشگاه ترنت و یکی از شاخص‌ترین چهره‌های هگل‌پژوهی در جهان، و نویسنده آثار متعدد دربارهٔ منطق هگل.

۳. Henry Siltan Harris؛ استاد دانشگاه یورک، و یکی از شاخص‌ترین چهره‌های هگل‌پژوهی در جهان و نویسنده تفاسیر متعدد دربارهٔ هگل، به ویژه دوران بنا.

ب- کدام متافیزیک؟

بحث از معنای متافیزیک نزد هگل، دارای ابعاد مختلفی است که به منظور جلوگیری از سوء برداشت ناشی از تشتت واژگانی و کاربردهای متعدد و متفاوت اصطلاح «متافیزیک»، و همچنین درک دقیق‌تر معنای «متافیزیک» در عنوان متافیزیک بنا، این پرسش (کدام متافیزیک؟) را می‌توان از سه وجه مورد توجه قرار داد:

- اولاً، به طور کلی رویکرد هگل نسبت به متافیزیک چیست؟ این پرسش نیز می‌تواند از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد: نخست نقد هگل به متافیزیک تاکنون موجود و دوم، چگونگی زایش خود متافیزیک هگلی.
 - ثانیاً، چرا هگل نام بخش دوم از دست‌نوشته‌های نظام بنا را که موضوع اصلی این کتاب هستند، «متافیزیک» گذاشت؟ به بیان دیگر، هگل در هنگام نگارش این اثر، از مفهوم متافیزیک چه مراد می‌کرد؟
 - ثالثاً، شاید این پرسش نیز به ذهن متبادر شود که خود فلسفه هگل را تا چه حد و به چه معنا می‌توان متافیزیکی دانست؟
- در این مجال تنها به پاسخ پرسش‌های اول و دوم پرداخته خواهد شد و پرسش سوم خارج از بحث حاضر است. اما می‌توان در این خصوص مخاطب را به تقسیم‌بندی مختصری ارجاع داد که ردینگ از جریانات مختلف تفسیریِ هگل‌پژوه به دست می‌دهد و آنها را به سه دسته «دیدگاه متافیزیکی سستی درباره فلسفه هگل»، «دیدگاه غیرمتافیزیکی (یا «پساکانتی»)
- درباره هگل» و «دیدگاه متافیزیکی بازبینی‌شده درباره هگل» تقسیم می‌کند. (برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به ردینگ، ۱۳۹۳، صص ۲۳-۳۷). لذا در ادامه

تلاش خواهد شد تا پرسش اول و دوم نه به نحوی جداگانه بلکه به نحوی درهم تنیده مورد توجه قرار گیرند تا پاسخی درخور هردو به دست داده شود. همانگونه در بالا اشاره شد، پرسش نخست را از دو جنبه می توان مورد بررسی قرار داد: نخست نقد هگل بر متافیزیک پیشینیانش و دوم، مراد هگل از متافیزیک خاص خودش. یکی از بهترین منابعی که می توان با تکیه بر آن به نقد هگل بر متافیزیک پیشینیانش پرداخت، بخش اول (منطقی) از کتاب *دایره المعارف علوم فلسفی هگل* است. هگل در این اثر سرفصلی را به متافیزیک اختصاص می دهد و عنوان آن را چنین برمی گزیند: «نخستین موضع اندیشه نسبت به عینیت: متافیزیک». روشن است که در اینجا هگل به نخستین و ابتدایی ترین رویکرد فلسفی به حقیقت و جهان اشاره دارد که آشکارا ناظر به متافیزیک کلاسیک است. وی ابتدای بحث را چنین آغاز می کند:

نخستین موضع، شیوه ساده لوحانه ای است که ضمن آنکه هنوز از تضادهای اندیشه ورزی درون و علیه خود ناآگاه است، این اعتقاد را دربردارد که از طریق تامل، حقیقت شناخته می شود و آنچه به عنوان ابژه است، در مقابل آگاهی قرار می گیرد. در این اعتقاد، اندیشه ورزی مستقیماً به ابژه ها می پردازد؛ اندیشه ورزی محتوای احساسات و شهودات را از درون خویش به عنوان محتوای اندیشه بازتولید می کند و به عنوان حقیقت از آن رضایت خاطر دارد. کل فلسفه در آغازگاه های خود، تمامی علوم و حتی علم روزمره و سروکارهای آگاهی در این اعتقاد به سر می برد. (هگل، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴)